

## غزلیات میرزا غالب دهلوی فراسوی مرزها

ندا علیزاده کاشانی\*

دکتری ادبیات تطبیقی، دانشگاه مچراتا، ایتالیا

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲)

### چکیده

غزل از مهم‌ترین قالب‌های شعر کلاسیک فارسی است که از اواخر قرن بیستم به ژانری ادبی در ادبیات امریکای شمالی تبدیل شده است. اکنون بسیاری از شاعران در امریکای شمالی و کانادا به این فرم ادبی شعر می‌سرایند. پژوهش حاضر درصدد است نشان دهد چرا و چگونه غزل به امریکای شمالی راه یافت و چه عواملی موجب گسترش آن در این سرزمین شدند. به این منظور، ابتدا پیش‌زمینه‌ای در باب تلاش‌های شاعران امریکایی قرن نوزده در معرفی و ترجمه اشعار فارسی ارائه می‌شود و پس از آن، به بررسی نقش دو شاعر و محقق برجسته هندی، اعجاز احمد و آغا شاهد علی، در معرفی هویت واقعی این نوع شعر در امریکا پرداخته می‌شود. در این مقاله نشان داده می‌شود که آموزش‌ها و ترجمه‌های این دو محقق شرقی در رواج غزل‌های میرزا غالب دهلوی منجر به ترجمه و سرایش گسترده غزل به زبان انگلیسی شد و در پی آن، شاعران برجسته‌ای چون «ادریس ریچ» و «رابرت بلا» قالب غزل را برای بیان اغراض خود برگزیدند.

واژگان کلیدی: غزل، امریکای شمالی، اعجاز احمد، آغا شاهد علی، میرزا غالب دهلوی.

---

\* E-mail: nedaalizade14@yahoo.com

## مقدمه

این مقاله<sup>۱</sup> بر آن است تا نشان دهد چگونه ترجمه غزلیات شاعر پرآوازه هندی قرن نوزدهم میلادی، میرزا غالب دهلوی، به زبان انگلیسی منجر به رواج این ژانر ادبی در امریکای شمالی شد. در این پژوهش، همچنین نقش دو نویسنده، شاعر و محقق هندی به عنوان میانجیگران فرهنگی در معرفی غزل به شاعران امریکای شمالی برجسته می‌شود و نشان داده می‌شود که هویت حقیقی ادبیات مشرق‌زمین آنگاه آشکار می‌شود که معرفان آن، محققان و شاعرانی برآمده از شرق بوده و با زبان و هویت حقیقی آن آشنا باشند.

آشنایی اصلی شاعران امریکای شمالی با ادبیات فارسی، به‌ویژه قالب غزل از شعر کلاسیک فارسی، در سی سال پایانی قرن بیستم رخ داد. پیش از آن، در قرن نوزدهم، تعدادی از اشعار شاعران فارسی‌زبان به قلم رالف والدو امرسون<sup>۲</sup> (۱۸۸۲-۱۸۰۳ م.) و پیروان وی، یعنی والت ویتمن<sup>۳</sup> (۱۸۱۹-۱۸۹۲ م.)، ادگار الن پو<sup>۴</sup> (۱۸۰۹-۱۸۴۹ م.)، و هنری وادزورث لانگفلو<sup>۵</sup> (۱۸۰۷-۱۸۸۲ م.) به زبان انگلیسی برگردانده شده بود. آنها اشعار شاعران پرآوازه ایرانی همچون مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۱۲۰۷-۱۲۷۳ م.)<sup>۶</sup>، سعدی شیرازی (۱۲۱۰-۱۲۹۱ م.)<sup>۷</sup>، و خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (۱۳۱۵-۱۳۹۰ م.)<sup>۸</sup> را ترجمه کرده بودند. این شاعران، بیشتر مجذوب جنبه‌های عرفانی و فلسفی شعر فارسی شده بودند.

در نیمه دوم قرن بیستم، دو شاعر و محقق سرشناس هندی به نام‌های اعجاز احمد و آغا شاهد علی درصدد برآمدند تا هویت حقیقی غزل را برای شاعران امریکایی آشکار و آنها را تشویق به ترجمه و سرودن غزل به زبان انگلیسی کنند.

## ۱- ادبیات فارسی در امریکای شمالی قرن ۱۹ میلادی

امریکایی‌ها در ابتدا متأثر از شرق‌شناسان انگلیسی علاقه وافری به اشعار حافظ نشان دادند. در اوایل سال‌های ۱۸۰۰ میلادی مجله‌ای به نام پورتفولیو<sup>۹</sup> برخی ترجمه‌های شعر حافظ را به چاپ رساند. مجلات دیگری نیز همچون مجله خارجی بوستون<sup>۱۰</sup> در سال ۱۸۳۳ و مینروا<sup>۱۱</sup> در دهه ۱۹۲۰ مقالاتی درباره اشعار حافظ چاپ کردند (ر.ک؛ یوحنان، ۱۹۷۷ م.: ۱۰۷-۱۲۲)، هرچند برخورد مهم‌تر شاعران امریکایی با ادبیات فارسی از طریق حرکت دینی-فلسفی «تعالی‌گرایی»<sup>۱۲</sup> صورت گرفت. رالف والدو امرسون (۱۸۰۳-۱۸۸۲ م.) پیشرو و چهره اصلی این

حرکت، شعر فارسی را یکی از منابع الهام برای نوشته‌هایش می‌دانست. او رویکردی فلسفی به شعر فارسی داشت و معتقد بود که رابطه و شباهتی فلسفی، دینی و عرفانی میان شعر فارسی و حرکت تعالی‌گرایی وجود دارد (ر.ک؛ احمدزاده هروی، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۲۰۱). محققان اروپایی نیز از طریق نوشته‌های امیرسون با جنبه‌های معنوی شعر صوفیه آشنا شدند. امیرسون ترکیب شعر و دین، و هماهنگی مایه‌های زمینی و آلهی را در شعر عرفانی فارسی می‌ستود (ر.ک؛ یوحنان، ۱۹۷۷م: ۱۱۵-۱۳۵).

از سال ۱۸۴۰ میلادی، امیرسون شروع به مطالعه و ترجمه اشعار فارسی کرد. او جهان‌بینی عارفانه حافظ و استفاده از عناصر طبیعت را در اشعارش تحسین می‌کرد و او را در ردیف شاعرانی همچون شکسپیر قرار می‌داد (ر.ک؛ راسل، ۲۰۰۸م: ۱۲ و یوحنان، ۱۹۷۷م: ۱۲۷). در سال ۱۸۴۷ میلادی، او مجموعه‌ای از غزل‌های حافظ را ترجمه کرد و در پی آن نیز در منچستر به ارائه سخنرانی پرداخت.

بعد از حافظ، امیرسون علاقه وافری به اشعار سعدی نشان داد. او حتی یکی از شعرهایش را به نام این شاعر بزرگ پارسی «سعدی» نامید. به طور کلی، وی هفتصد بیت شعر فارسی را ترجمه کرد. البته بسیاری از این ترجمه‌ها بر اساس ترجمه جوزف وون هممر<sup>۱۳</sup> از زبان آلمانی صورت گرفت (ر.ک؛ راسل، ۲۰۰۸م: ۱۳ و یوحنان، ۱۹۷۷م: ۱۱۷).

از دیگر شاعرانی که در گسترش شعر فارسی در امریکا نقش داشتند، می‌توان از والت ویتمن و ادگار الن پو نام برد. ویتمن متأثر از امیرسون شعری با عنوان «راهی به سوی هند»<sup>۱۴</sup> و شعر دیگری با عنوان «درس پارسی»<sup>۱۵</sup> سرود و در آن، عقاید خود را درباره شعر فارسی و صوفی‌گری بیان کرد (ر.ک؛ کمبونی، ۲۰۰۸م: ۱۳-۱۶). الن پو نیز بسیار متأثر از ادبیات شرق و قرآن کریم بود. این تأثیر را می‌توان در برخی اشعار او همچون «الأعراف»<sup>۱۶</sup> و «اسرافیل»<sup>۱۷</sup> و نیز داستان کوتاهش به نام *داستان‌های گروتسک و آرابسک*<sup>۱۸</sup> مشاهده کرد (ر.ک؛ نجومیان، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

## ۲- غزل در امریکای شمالی قرن ۲۰ میلادی

چنان‌که اشاره شد، شاعران امریکایی با شعر شرقی و غزل ناآشنا نبودند، اما در سه دهه آخر قرن بیستم، تغییری در چهره مشوقان و مروّجان ادبیات شرق رخ داد. دیگر این پژوهشگران و شرق‌شناسان غربی نبودند که به تبلیغ شعر شرقی می‌پرداختند، بلکه محققان و شاعرانی از

خود شرق برخاستند و تصمیم به معرفی هویت حقیقی ادبیات و فرهنگ خود به دنیای غرب گرفتند.

در نیمه دوم قرن بیستم، در پی تغییر و تحولات سیاسی-اجتماعی در امریکای شمالی، نظام ادبی این کشور نیز رو به تغییر بود. به همین سبب، بسیاری از شاعران امریکای شمالی که شاهد بی‌عدالتی‌ها و ظلم دولت امریکا بودند، در پی سرودن شعر مقاومت برآمدند. آنها مجذوب شعر شاعران مقاومت خاورمیانه، همچون محمود درویش، ناظم حکمت، فیض احمد فیض، فروغ فرخزاد، و شاعرانی از اروپا و امریکای لاتین، همچون گارسیا لورکا<sup>۱۹</sup>، پابلو نرودا<sup>۲۰</sup>، موریل راکی سر<sup>۲۱</sup> و پیرپائولو پازولینی<sup>۲۲</sup> شدند.

این شاعران امریکایی در تظاهرات علیه جنگ ویتنام، نژادپرستی، و ظلم و ستم به گروه‌های اقلیت جامعه شرکت می‌کردند. آنها در پی تغییری شتاب‌زده در زبان شعری بودند تا قواعد گذشته را برهم بزنند و با مقاومت آنها علیه زور و ستم هم‌آوا باشد. آنها به دنبال زبانی بودند که ضمن آمیختگی با مسائل سیاسی و اجتماعی، قادر به بیان هویت جدید ایشان باشد. این شاعران امریکایی می‌خواستند روابط قدرت را برهم بزنند و انتقادهای آنان نه تنها علیه سیاست‌های دولت حاکم بود، بلکه علیه بوطیقای بود که از تصویر جامعه آشفته ایشان ناتوان بود. به همین سبب، به ترجمه آثار ادبی کشورهای اروپایی و شرقی روی آوردند تا از این طریق شیوه بیان، مفاهیم، و تصاویر تازه‌ای به ادبیات سرزمین خود وارد کنند و فرهنگ و سیاست کشورشان را تغییر دهند<sup>۲۳</sup>. همان‌گونه که ایون زوهر می‌گوید، خلأ در یک نظام ادبی، جای را برای ورود ادبیات ترجمه باز می‌کند و جایگاهی مرکزی به آن می‌دهد (ر.ک؛ ایون زوهر، ۱۹۷۵م: ۴۸). از مهم‌ترین شاعرانی که به ترجمه روی آوردند، می‌توان از ادرین ریچ<sup>۲۴</sup>، رابرت لوول<sup>۲۵</sup>، رابرت بلائی<sup>۲۶</sup>، جیمز رایت<sup>۲۷</sup>، دبلیو اس مروین<sup>۲۸</sup>، گری اسنایدر<sup>۲۹</sup>، دنیس لورتوف<sup>۳۰</sup>، الیزابت بیشاپ<sup>۳۱</sup>، و لارنس فرلینگتی<sup>۳۲</sup> نام برد (ر.ک؛ گنتزler، ۲۰۰۸م: ۳۲).

در دهه‌های شصت و هفتاد در امریکای شمالی، ترجمه به شیوه‌ای رایج در مبارزات اجتماعی-سیاسی تبدیل شده بود. این شاعران می‌خواستند از طریق مبادله فرهنگی به مبارزه با نبود اعتماد به ارزش‌های جامعه خویش بپردازند (ر.ک؛ بلک برن، ۱۹۶۲م: ۳). پاول انگل<sup>۳۳</sup> در مقدمه کتاب خود با عنوان *نوشته‌ای از جهان دوم*<sup>۳۴</sup> (۱۹۸۵م) به ضرورت ترجمه در دنیای معاصر اشاره می‌کند: «همان‌گونه که مردم جهان و فرهنگ‌هایشان به هم نزدیک‌تر می‌شوند، شاید راه حل بقای ما در ترجمه باشد» (انگل، ۱۹۸۵م: ۲).

## ۳- اعجاز احمد و آغا شاهد علی

در این بُرهه زمانی، برخلاف گذشته که شرق‌شناسان و شاعران امریکایی و اروپایی دست به ترجمه شعر شرقی زدند، دو شاعر و نویسنده برجسته زاده هند تصمیم به معرفی مفهوم و قالب حقیقی غزل در امریکای شمالی گرفتند. این دو که نیاز جامعه ادبی امریکا را به آشنایی با ساختارها و مفاهیم جدید به خوبی درک کرده بودند، زمینه را برای آشناسازی این شاعران با این فرم ادبی فراهم ساختند. آنها می‌خواستند از این طریق، فرهنگ و ادبیات خود را به دنیای غرب معرفی کنند.

این دو نویسنده، شاعر، و محقق، اعجاز احمد<sup>۳۵</sup>، تئورسین ادبی و دیگری آغا شاهد علی<sup>۳۶</sup> (۱۹۴۹-۲۰۰۱م.) شاعر هندی- امریکایی بودند. نقش میانجیگری فرهنگی و ترجمه این دو چنان برجسته بود که سرایش غزل به زبان انگلیسی در امریکای شمالی و کانادا رواج یافت و به ژانری ادبی در این کشورها تبدیل شد. حتی غزل در زمره منابع درسی برخی دانشگاه‌ها همچون دانشگاه نیویورک<sup>۳۷</sup> و کلمبیا<sup>۳۸</sup> نیز قرار گرفت.

همان‌گونه که هریش تریودی<sup>۳۹</sup> در مقاله‌اش با عنوان «ترجمه فرهنگ در برابر ترجمه فرهنگی»<sup>۴۰</sup> بحث می‌کند، ترجمه آثار ادبی هند در زمان سلطه انگلستان، در خدمت قوای استعمارگر بود، اما هنگامی که کار ترجمه به دست هندی‌ها افتاد، به نیرویی ضد استعماری تبدیل شد (ر.ک؛ تریودی، ۲۰۰۷م.: ۱۷۵-۱۷۶).

آغا شاهد علی شاعر هندی- امریکایی دیاسپورا بود. او اهل کشمیر و مسلمان شیعه بود. وی هم در هند و هم در امریکا زیست و تحصیل کرد. او اردو را زبان مادری خود و انگلیسی را زبان اول خویش می‌خواند. وی هم امریکا و هم هند را خانه خود می‌دانست. در دوازده سالگی، به همراه خانواده‌اش به امریکا رفت و به مدت سه سال در آنجا به مدرسه رفت. سپس به هند بازگشت و در دانشگاه کشمیر تحصیل کرد. در سن بیست‌وشش سالگی به امریکا بازگشت. مدرک دکتری خود را از دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۱۹۸۴ میلادی دریافت کرد و یک سال بعد مدرک ام.اف.ای. را از دانشگاه آریزونا گرفت. او در بسیاری از دانشگاه‌های امریکا تدریس کرد. در امریکا، شاعر سرشناسی بود و جوایز بسیاری دریافت کرد. مهم‌ترین مجموعه‌های شعری او عبارتند از: قدم زدن بر برگه‌های زرد<sup>۴۱</sup> (۱۹۸۷م.)، نقشه امریکای یک نوستالژیک<sup>۴۲</sup> (۱۹۹۲م.)، کشوری بدون اداره پست<sup>۴۳</sup> (۱۹۹۷م.)، اتاق‌ها هرگز تمام نشده‌اند<sup>۴۴</sup> (۲۰۰۲م.)، و نیز دو

مجموعه به نام‌های *امشب مرا اسماعیل بخوان*<sup>۴۵</sup> (۲۰۰۳ م.) و *ردای پوشیده*<sup>۴۶</sup> (۲۰۰۹ م.) که پس از مرگش به چاپ رسیدند.

غزل‌هایی که آغا به زبان انگلیسی نوشت، اکثراً در مجموعه *امشب مرا اسماعیل بخوان*<sup>۴۷</sup> به چاپ رسیدند. در این اشعار، وی عناصر و خصوصیات فرهنگی هر دو کشور را درهم می‌آمیزد. در عین حال که در اشعارش به تصاویر سنت شعر فارسی و اردو و خاطرات خود از هند رجوع می‌کند، به نوشتارهای شاعران امریکایی که ملهم وی بودند نیز اشاره دارد. در حقیقت، غزلیات وی بازتاب میراث هندی، اسلامی و غربی وی هستند. وی غزل را محل تلاقی فرهنگ‌ها در نظر گرفت که به هویت‌های مابین یا دوگانه، فرصت بیان خویشتن را می‌داد. چنان‌که کریستوفر مریل<sup>۴۸</sup>، شاعر، محقق، مترجم و از دوستان نزدیک آغا می‌گوید:

«آغا بر بهشت گمشده<sup>۴۹</sup> میلتون همان اندازه تسلط داشت که بر قرآن. وی هم از دانته و هم از فیض احمد فیض الهام گرفته بود. او افق ادبی امریکای شمالی را با تشویق شاعران امریکایی به سرایش "غزل حقیقی به زبان انگلیسی"<sup>۵۰</sup> تغییر داد و موجب نزدیکی شرق و غرب شد» (مریل، *آغا شاهد علی در امریکا*).

آغا شیوه سرایش غزل را به شاعران امریکایی آموخت. تأکید وی بر حفظ قالب و شیوه بیان غزل در زبان انگلیسی بود. در حقیقت، وی کوشید تا جایگاهی برای این قالب شعری در ادبیات امریکای شمالی تثبیت کند. او اغلب اصطلاح «غزل در امریکا»<sup>۵۱</sup> را به کار می‌برد و شاعران امریکایی را تشویق به نوشتن غزل و چاپ آن در کتاب گلچینش، *غزل حقیقی در زبان انگلیسی*<sup>۵۲</sup> (۲۰۰۰ م.) می‌کرد. ملاک وی در انتخاب غزل‌ها برای چاپ در این مجموعه، وفاداری آنها به قالب غزل فارسی بود. او می‌خواست از این طریق شاعران امریکایی همان تجربه‌ای را کسب کنند که وی هنگام نوشتن اشعارش به قالب‌های شعری انگلیسی کسب کرده بود؛ یعنی تجربه پا گذاشتن ورای مرزهای جغرافیایی، تاریخی و زبانی از طریق سرایش شعر (ر.ک؛ زیدی، ۲۰۰۸ م.: ۶۶).

از همین رو، آغا منتقد سرسخت غزل‌های انگلیسی بود که به ساختار و قالب غزل توجهی نداشتند و آنها را شعر آزاد می‌خواند. او تلاش‌های برخی شاعران غربی همچون یوهان ولفگانگ گوته<sup>۵۳</sup> (۱۷۴۹-۱۸۳۲ م.)، کارل ویلهلم فردریش ون شلیگل<sup>۵۴</sup> (۱۷۷۲-۱۸۲۹ م.)، فردریش روکرت<sup>۵۵</sup> (۱۷۸۸-۱۸۶۶ م.)، آگوست گراف ون پلاتن<sup>۵۶</sup> (۱۷۹۶-۱۸۳۵ م.)، و فدریکو گارسیا لورکا<sup>۵۷</sup> (۱۸۹۸-۱۹۳۶ م.) را در معرفی غزل تحسین می‌کرد (ر.ک؛ علی، ۱۹۷۰ م.: ۲-۱). او

همچنین ترجمه‌های آدرین ریچ و مروین را از غزل‌های غالب دهلوی و ترجمه‌ الیزابت گری را از اشعار حافظ می‌ستود. البته وی منتقد غزل‌هایی بود که این شاعران به زبان انگلیسی سروده بودند؛ زیرا قالب غزل را رعایت نکرده بودند (ر.ک؛ آغا، ۲۰۰۰م: ۱۱). وی غزل‌های جیم هریسون<sup>۵۸</sup>، آدرین ریچ، رابرت مزی<sup>۵۹</sup> و گلوی کینل<sup>۶۰</sup> را تحسین می‌کرد، اما در عین حال، از نبود رعایت ساختار اصلی غزل در این اشعار انتقاد می‌کرد. او وفادار نبودن این شاعران را به قالب غزل این گونه توجیه می‌کند:

«شاید قواعد قافیه و ردیف، همسو با اصول زیباشناسی و پیچیدگی‌های دهه‌های شصت و هفتاد در امریکای شمالی نبوده است. غزل به این شاعران اجازه داد تا فرهنگ حاکم بر جامعه خود را زیر سؤال ببرند و آزادی معنایی در غزل به آنها فرصت داد تا دیگر اشکال آزادی را در آغوش بگیرند» (آغا، ۲۰۰۰م: ۱۱-۱۲).

آغا قالب غزل را فضایی مابینی تلقی می‌کرد که می‌توانست در نقش پلی میان دو تمدن باشد. او در تلاش بود تا «هویت دوگانه و دیاسپوریک»<sup>۶۱</sup> خود را از طریق این قالب شعری به شاعران امریکایی بشناساند. نقش آغا در معرفی غزل در امریکای شمالی چنان پُررنگ و پُراهمیت بود که وی را سفیر فرهنگی کشورش و نخستین شاعر دیاسپورا نامیده‌اند که تلاش کرد تا قالب شعری غزل و فرهنگ آن را به دنیای انگلیسی‌زبان معرفی کند (ر.ک؛ زبیدی، ۲۰۰۸م: ۵۵-۶۰). کریستوفر مریل در این باب می‌گوید:

«معمولاً تغییرهای بزرگ در نظام ادبی یک کشور به‌ندرت اتفاق می‌افتد. یکی از این نمونه‌ها، تأثیر سانت یا غزلواره ایتالیایی بر ادبیات انگلیسی بود. شاعران انگلیسی همچون سِر تامس یات، ادموند اسپنسر، سِر فیلیپ سپدنی، ویلیام شیکسپیر و جان دان این قالب شعری را به کار گرفتند و از این طریق، تحولی در شعر انگلیسی به وجود آوردند. هنوز زود است که بخواهیم چنین قضاوتی درباره تأثیر غزل بر ادبیات امریکای شمالی داشته باشیم، اما اگر تحولی مشابه در ادبیات امریکا رخ دهد، تاریخ‌شناسان ادبی از آغا شاهد علی به عنوان یکی از پیشروان این روند نام خواهند برد» (مریل، «آغا شاهد علی در امریکا»).

آغا به‌ویژه تحت تأثیر اشعار میرزا اسدالله بیگ‌خان معروف به غالب (۱۷۹۷-۱۸۶۹م) بود. الساندرو بوسانی<sup>۶۲</sup>، شرق‌شناس نامدار ایتالیایی، او را از مهم‌ترین شاعران اسلامی قرن نوزدهم (ر.ک؛ بردی، ۲۰۰۰م: ۲۹۸) و مهم‌ترین غزلسرای هندی می‌دانست. غالب در دوران سلطه انگلستان بر هند می‌زیست و جامعه‌اش درگیر تحولات اجتماعی و سیاسی بود. وی بسیار تحت

تأثیر اشعار بیدل دهلوی بود و گمان می‌رود که شیوه استفاده از تصاویر سمبولیک و پیچیده را از بیدل آموخت (ر.ک؛ بوسانی، ۱۹۶۸م: ۷۳). او مسلمان شیعه بود و تأثیر عقاید صوفیانه ابراهیم ادهم، ذوالنون مصری، جنید بغدادی و حلاج آشکارا در آثار او به چشم می‌خورد. همچنین، آموزه‌های عرفانی بیدل، حافظ و رومی در اشعار او نمایان است. او در غزلیات خود اشارات بسیاری به قرآن و حدیث داشت و در وصف و تکریم پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز شعر سرود.

آغا نیز بسیاری از تصاویر و مفاهیم غزل‌های خود را از غزل‌های غالب گرفت؛ به عنوان مثال، غزل زیر الهام گرفته از یکی از غزل‌های معروف غالب دهلوی است. آغا می‌نویسد:

Not All, Only a Few Return

(after Ghalib)

Just a few return from **dust**, disguised as **roses**.

What hopes the **earth** forever **covers**, what **faces**?

I too could recall moonlit roofs, those **nights** of wine-

But, time has shelved them now in Memory's dimmed places.

She has left forever, let blood flow from my eyes

Till my eyes are lamps lit for love's darkest places.

All is his- **Sleep, Peace, Night**- when on **his arm** your **hair**

Shines to make him the god whom nothing effaces.

With wine, the palm's lines, believe me, rush to Life's stream-

Look, here's my hand, and here the red glass it raises.

See me! Beaten by sorrow, man is numbed to pain.

Grief has become the pain only pain erases.

World, should Ghalib keep weeping you will see a flood

Drown your terraced cities, your marble palaces. (Agha, 2003: 52)

اگر این غزل را با غزل غالب دهلوی که در زیر آمده است، مقایسه کنیم:

سب که هال، کچھ لال و گل می نمایان ہوگئی

خاک می، کیا صورتین ہونگی کہ، پنہان ہوگئی

تھی بنات السّعش گردون دن کو پردے می نہان

شب کوان کے جی مین کیا آئی کہ عریان ہوگئی

نیند اس کی ہے، دماغ اس کا ہے، راتی اس کی ہی

تیری زلفین جس کے بازو پر پریشان ہوگئی



هم موحد هی، همارا کیش ه ے ترک رسوم  
 ملتین جب مٹ گئی، اجزای ایمان هوگئی  
 یو هی گر روتا رها غالب، تو اے اهل جهان  
 دیکھنا ان بستین کو تم کہ ویران هوگئی

The literal translations of these lines by Ahmad are as follows:  
 Not all, but only a few, are revealed in the rose and the tulip;  
 What faces those must have been that have gone (been hidden) under  
 the dust!  
 The 'daughters of the Bier' were, during the day, hidden behind a curtain  
 (or, had hidden themselves behind the day's curtain);  
 What did they think (feel, occurred to them, came in their hearts) at  
 night  
 that they came out unconcealed (naked)?  
 To him comes sleep, belongs the mind (peace of mind), belong the  
 nights  
 On whose arm you spread your hair.  
 We are the monotheists; breaking customs (traditions, set patterns) is our  
 way of life;  
 Whenever the communities die, they became part of the faith.  
 If Ghalib continues to weep with this same prolixity, you, those who  
 inhabit this world,  
 Will see that these cities shall become a mass of wilderness. (Ahmad,  
 1994: 73).

واضح و مبرهن است کہ شعر آغا اقتباسی مستقیم از غزل غالب است. تصاویر گل، خاک، صورت، شب، پرده، بازو و گیسو عیناً در هر دو غزل به کار رفته‌اند و افزون بر این، مفاهیم رمزی و عرفانی، مانند برآمدن گل از خاک، تاریکی، آرامش و سکوت شب، پرده و نقاب در هر دو شعر وجود دارند. در بیت آخر نیز آغا از تخلص غالب بهره جسته است و غم و اندوه او را بیان می‌کند.

پیش از آغا، تلاش‌های اعجاز احمد موجب ترجمه و سرودن غزل، به‌ویژه غزل‌های غالب دهلوی در سطحی گسترده در امریکای شمالی شد. احمد با نگاه فردی خارج از نظام ادبی

امریکا غزل را به ادبیات این کشور معرفی کرد. وی معتقد بود که این قالب شعری می‌تواند چون قوایی برای برهم ریختن فرهنگ غالب در امریکای شمالی عمل کند.

احمد نظریه‌پرداز ادبی مارکسیستی و مفسر سیاسی در اوتارپرادش هند به دنیا آمد. اما پیش از جدایی هند و پاکستان و استقلال هند از زیر سلطه انگلیسی‌ها، به همراه خانواده‌اش به پاکستان مهاجرت کرد. امروزه وی در دانشگاه‌های امریکا و کانادا همچون دانشگاه یورک<sup>۶۳</sup> در تورونتو و مرکز مطالعات معاصر<sup>۶۴</sup> در دهلی نو تدریس می‌کند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی با عنوان *در باب نظریه؛ طبقات اجتماعی، ملت‌ها، ادبیات‌ها*<sup>۶۵</sup> در سال ۱۹۹۲ میلادی به چاپ رسید. وی مقالات بی‌شماری نیز تألیف کرده<sup>۶۶</sup> است و درباره مسائل خاورمیانه، مسئله فلسطین و بهار عربی سخن گفته است.

عجاز احمد غزل را از طریق پروژه ترجمه اشعار میرزا غالب دهلوی، به مناسبت صدمین سالگرد مرگ وی، در سال ۱۹۶۹ میلادی به شاعران امریکای شمالی معرفی کرد. در سال ۱۹۶۰ میلادی، احمد ساکن نیویورک بود و از نزدیک شاهد ناآرامی‌ها و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و نیز تلاش‌های گروه‌های ادبی و شاعران علیه جنگ در ویتنام، نژادپرستی و به طور کلی، سیاست‌های دولت امریکا بود. وی شاهد تلاش‌های شاعران برای برانگیختن و دگرگونی ایدئولوژی حاکم و نظام ادبی رایج بود. این شاعران ترجمه را بهترین سلاح برای برهم ریختن نظام حاکم می‌دانستند (ر.ک؛ گنتز، ۱۹۹۶م: ۱۲۰). با مشاهده این تحولات و تلاش‌ها، احمد به فکر ترجمه غزلیات اردوی میرزا غالب دهلوی افتاد.

احمد تعدادی از شاعران برجسته امریکای شمالی را به همکاری در ترجمه این غزلیات به زبان انگلیسی دعوت کرد. ملاک وی در انتخاب این شاعران آشنایی آنها با ترجمه شعر از زبان‌های دیگر بود. این شاعران عبارت بودند از: دبلیو. اس. مروین<sup>۶۷</sup>، ادوین ریچ<sup>۶۸</sup>، ویلیام استفورد<sup>۶۹</sup>، دیوید ری<sup>۷۰</sup>، تامس فیتزیمون<sup>۷۱</sup>، مارک استرند<sup>۷۲</sup>، و ویلیام هانت<sup>۷۳</sup>. از آنجا که آنها با زبان اردو آشنا نبودند، احمد که زبان مادری او اردو بود، خود ترجمه‌ای لغت به لغت از این اشعار را به همراه توضیحاتی بر آنها در اختیار این شاعران قرار داد. به این طریق، وی نقش میانجیگری پراهمیتی میان غزل‌های غالب و شاعران امریکایی ایفا کرد. او تنها سی‌وهفت غزل اردوی غالب را برای ترجمه برگزید و هر غزل را به پنج شش بیت کاهش داد. او بیت‌هایی را برگزید که بیشتر با ذوق و سلیقه شاعران امریکایی همخوانی داشتن و نیز ترجمه‌پذیرتر بود؛ برای مثال، بیت‌هایی را که به داستان‌های تاریخی و حماسی و افسانه‌ها اشاره داشت، حذف

کرد؛ زیرا درک آنها برای کسی که با فرهنگ و تاریخ سنت شعر فارسی و اردو آشنا نیست، دشوار می‌نمود. در حقیقت، او در تلاش بود تا اشعاری از غالب را برگزیند که بیشتر مقبول بوطیقای فرهنگ و ادبیات امریکا باشند (ر.ک؛ لفور، ۱۹۹۲م: ۷).

افزون بر این، می‌توان گفت که احمد در پیشنهاد ترجمه غزل‌های غالب، ایدئولوژی در ذهن داشت. با ترجمه کلمه به کلمه غزل‌ها و توضیحاتی که بر آنها ارائه داد، تفسیر و ایدئولوژی خود را بر شعر غالب وارد کرد و اشعار غالب را از نظر معنایی به عقاید خود نزدیکتر کرد. در برخی موارد، اصطلاحات عرفانی را با ملاک‌های جامعه زمان خود معنا کرد. در حقیقت، احمد نسخه‌ای به‌روزتر از اشعار غالب ارائه داد و خوانش خود را بر آن تحمیل کرد؛ به عنوان مثال، آنجا که غالب می‌گوید:

«هم موحد هی، همارا کیش ه . ترک رسوم

ملتین جب م گئی ، اجزای ایمان هوگئی»  
(ر.ک؛ احمد، ۱۹۹۴م: ۷۳)

احمد این بیت را چنین ترجمه می‌کند:

- We are the monotheists; breaking customs is our pattern of life;  
- Whenever communities died, they became part of the faith. (Ahmad, 1994: 73)

احمد کلمه «ملت» را به «جامعه» معنی می‌کند، در حالی که در ادبیات کلاسیک اردو، ملت در مفهوم «دین» به کار رفته است. همچنین، در قرآن نیز کلمه ملت به معنای دین است، آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾: بگو: خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنابراین، از آیین حنیف ابراهیم پیروی کنید که به حق گرایش داشت و از مشرکان نبود! ﴿(آل عمران / ۹۵).

استاد شفیع کدکنی نیز اشاره می‌کند که مفاهیم «ملت» و «جامعه»، غربی هستند و تا آغاز قرن بیستم در متون ادب فارسی به کار نمی‌رفتند (ر.ک؛ شفیع کدکنی، ۱۳۸۹: تلقی قدما از وطن).

اگر آغا بر قالب غزل تأکید داشت، احمد نقش فرهنگی و سیاسی غزل را برجسته کرد. ترجمه و توضیحات احمد، بازتاب افکار و ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی وی بودند. او معتقد بود

که پس‌زمینه تاریخی هند در زمان غالب از بسیاری جهات به شرایط حاضر در امریکای شمالی در دهه ۱۹۶۰ میلادی شباهت داشت. به همین سبب، باور داشت که غزل می‌تواند نقش پُررنگ سیاسی و فرهنگی در جامعه امریکای شمالی ایفا کند و ابزاری تازه در دست شاعران این کشور باشد (ر.ک؛ احمد، ۱۹۹۴م: XXI).

حاصل این پروژه ترجمه اعجاز احمد به صورت کتابی با عنوان *غزل‌های غالب*<sup>۷۴</sup> در سال ۱۹۷۱ میلادی به چاپ رسید. چاپ این کتاب تأثیر بسزایی بر نظام ادبی امریکای شمالی گذاشت. در این میان، نقش احمد به عنوان میانجی بسیار برجسته بود. انتخاب غزل‌ها و همچنین انتخاب بیت‌ها در هر غزل بر عهده وی بود. احمد توضیحات اضافی و یادداشت‌هایی بر غزل‌ها نوشت. در حقیقت، احمد به عنوان میانجی فرهنگی نقش ایفا کرد و عقاید ایدئولوژیک خود را بر درک و ترجمه غزل‌های غالب تحمیل کرد.

در پی این پروژه، بسیاری شاعران امریکایی دست به ترجمه و سرایش غزل زدند. از میان کارهای بارزش ترجمه می‌توان از عناوین زیر نام برد: ترجمه اشعار رومی از سوی ویلیام چیتیک<sup>۷۵</sup> با عنوان *طریق صوفیانه عشق؛ آموزه‌های معنوی رومی*<sup>۷۶</sup> (۱۹۸۳م)، ترجمه سی‌ویک غزل رومی از سوی کلمن بارکس<sup>۷۷</sup> با عنوان *برترین‌های رومی*<sup>۷۸</sup> (۱۹۹۵م)، و نیز ترجمه اشعار رومی از سوی فرانکلین لویس<sup>۷۹</sup> با عنوان *رومی، غرق شمس*<sup>۸۰</sup> (۲۰۰۸م). از دیگر آثار می‌توان به ترجمه مشترک رابرت بلای<sup>۸۱</sup> و لئونارد لوئیسون<sup>۸۲</sup> از *غزلیات حافظ* با عنوان *فرشتگان بر در میخانه می‌زنند؛ سی شعر حافظ*<sup>۸۳</sup> (۲۰۰۸م) و ترجمه مشترک رابرت بلای با سونیل دوتا<sup>۸۴</sup> از *غزل‌های میرزا غالب* با عنوان *صاعقه می‌بایست بر غالب می‌زد*<sup>۸۵</sup> (۱۹۹۹م) نام برد.

شاعران امریکایی که در پی پروژه احمد غزل سرودند، عبارتند از: ادرین ریچ با غزل‌هایش در دو مجموعه شعر با نام‌های *غزل‌ها: در تکریم غالب*<sup>۸۶</sup> (۱۹۶۹م) و *غزل‌های آبی*<sup>۸۷</sup> (۱۹۷۱م)، رابرت بلای با دو جلد مجموعه غزل‌هایش با عنوان *شبی که ابراهیم ستارگان را برخواند*<sup>۸۸</sup> (۲۰۰۱م) و *کلام من سالها اشتیاق بود*<sup>۸۹</sup> (۲۰۰۵م)، غزل‌های جیم هریسون با عنوان *دورافتاده و غزل*<sup>۹۰</sup> (۱۹۷۱م)، غزل‌های دنیس لورتو<sup>۹۱</sup>، الیشیا اوسترایکر<sup>۹۲</sup>، رابرت مزی، گلوی کینل، و بسیاری دیگر که غزل‌هایشان در کتاب *غزل‌های حقیقی در زبان انگلیسی* به کوشش آغا شاهد علی به چاپ رسید. حتی شاعران کانادایی نیز همچون جان تامپسون<sup>۹۳</sup> و فیلیس وب<sup>۹۴</sup> غزل سرودند.<sup>۹۵</sup>

## ۴- رابرت بلای و ادرین ریچ

از این میان، دو شاعر پُرآوازهٔ امریکای شمالی در ترجمه و سرایش غزل نقش بسزایی داشتند و موجب رواج آن شدند که یکی از این دو، رابرت بلای و دیگری، ادرین ریچ بود. این دو نه تنها شیوه‌ای برای غزلسرایی تثبیت کردند، بلکه عناصر ساختاری و فرهنگی غزل را در دیگر اشعار خود به کار گرفتند و از این طریق، آنها را وارد زبان شعری و نظام ادبی امریکای شمالی کردند.

رابرت بلای با سبک جدید خود به نام «تخیل نو»<sup>۹۶</sup> بر اهمیت و نقش پُررنگ ترجمه در تغییر و تحول ادبیات امریکای شمالی تأکید کرد. او نه تنها آثار شاعران اروپایی را ترجمه کرد، بلکه نام خود را به عنوان یکی از پیشتازان ترجمهٔ شعر شرقی نیز بر سر زبان‌ها انداخت. از میان کارهای ترجمهٔ او، اشعار کبیر، میرابی، رومی، حافظ، و میرزا غالب به چشم می‌خورد. تأثیر بلای، به‌ویژه بر نهضت ترجمه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بسیار پُراهمیت بود.

بلای مجذوب جنبهٔ عرفانی و تصاویر سنت شعر فارسی شده بود. او به طور خاص متأثر از شاعر بزرگ شعر فارسی مولانا جلال‌الدین رومی بود. تأثیر رومی را می‌توان به وضوح در اثر وی با عنوان *جان آهنی؛ کتابی دربارهٔ مردان*<sup>۹۷</sup> (۱۹۹۰ م.)، و در همکاری با کلمن بارکس در ترجمهٔ اشعار رومی با عنوان *شب و خواب*<sup>۹۸</sup> (۱۹۸۱ م.) و ترجمهٔ اشعار رومی از سوی خود وی مشاهده کرد.

بلای در غزل‌هایی که به زبان انگلیسی سرود، مسائل عرفانی شعر صوفیانه را با حوادث تاریخ غرب درهم آمیخت. برای این کار، وی از خصوصیت ناپیوستگی ابیات در غزل بهره جست. این ویژگی به خصوص شاعران امریکایی را جذب خود کرد. این ناپیوستگی یا نبود وحدت به این معنا است که هر بیت غزل برای خود یک واحد معنایی مستقل به حساب می‌آید و مصرع دوم هر بیت، شاهد و مثالی بر مصرع اول است<sup>۹۹</sup> (ر.ک؛ پریچت، ۱۹۹۳ م.: ۱۳۳). بنابراین، هر بیت مستقل از دیگر ابیات به نظر می‌آید. در واقع، رابطه‌ای خطی، معنایی، و یا زمانی میان ابیات وجود ندارد.

آغا شاهد علی در این باب می‌گوید که ابیات غزل از نظر مفهوم و احساس، مستقل از یکدیگر هستند. بنابراین، می‌توان هر بیت را بدون خدشه وارد کردن به وحدت ساختاری و معنایی غزل، به تنهایی نقل کرد. با وجود این، وی معتقد است که وحدت غزل برآمده از

خصوصیات فرهنگی و قالبی آن است و وحدت فرهنگی آن برگرفته از حافظه فرهنگی- تاریخی است و وحدت ساختاری وی برگرفته از قافیه و ردیف است (ر.ک؛ آغا، ۲۰۰۰م: ۳-۲).

ویژگی دیگر غزل که بلای را مجذوب خود کرد، استفاده فراوان از تصاویر سمبلیک بود. در ترجمه حافظ، بلای او را به سبب استادی در استفاده از استعارات و تصاویر نمادین تحسین می کرد و اشاره داشت که او از این طریق چندین نقطه نظر را در یک شعر واحد گرد می آورد. بلای نیز از این شیوه بهره جست و با استفاده از بیت های ناپیوسته و تصاویر سمبولیک، موضوع ها، مفاهیم و نقطه نظرهای گوناگون را در یک شعر گنجانده تا به این طریق، ساختار و نظام حاکم ادبی امریکای شمالی را به چالش بکشد.

در این زمینه، بلای متأثر از نظریه ها و عقاید تصویرگرایان<sup>۱۰۰</sup> به رهبری ازرا پاوند<sup>۱۰۱</sup> بود. پاوند معتقد بود که بهترین راه مبارزه با بوطیقای حاکم، شعر آزاد<sup>۱۰۲</sup> است؛ زیرا شعر آزاد شاعران را از طوق قوانین و قواعد آزاد می سازد. پاوند بر این باور بود که با ترجمه شعر شرقی و حفظ عناصر غریب آن می توان در فرهنگ خود تغییر پدید آورد (ر.ک؛ ونوتی، ۱۹۹۵م: ۲۰۲). او می گفت: «ما باید سرانجام به شرق روی بیاوریم تا به فراموشی هنری کشیده نشویم» (ویلیامز، ۲۰۰۹م: ۱۴۶). مهم ترین عنصر برای پاوند که باید در ترجمه حفظ می شد، تصویر بود؛ زیرا تصویر مهم ترین در بر دارنده حافظه فرهنگی یک جامعه است. عقاید پاوند و پیروانش، همچون ریچارد الدینگتون<sup>۱۰۳</sup> (۱۸۹۲-۱۹۶۲م) و هیلدا دولیتل<sup>۱۰۴</sup> (۱۸۸۶-۱۹۶۱م) که بیشتر از شعر شرقی چین و ژاپن ترجمه می کردند، درباره ترجمه، به ویژه در باب تصویر، نقش پُراهمیتی در شکل گیری شیوه های ترجمه در میان شاعران نیمه دوم قرن بیستم داشت.

دیگر پیشرو غزلسرایان در امریکا، ادرین ریچ بود. غزل های ریچ سرمشق دیگر غزلسرایان به زبان انگلیسی شد. مجموعه غزل های این شاعر زن با عنوان های *غزل ها*؛ در تکریم غالب و *غزل های آبی* به ترتیب، در کتاب های شعر او، اعلامیه ها<sup>۱۰۵</sup> (۱۹۶۹م) و *اراده تغییر*<sup>۱۰۶</sup> (۱۹۷۱م) به چاپ رسیدند<sup>۱۰۷</sup>.

ریچ در پی آن بود تا در زبان شعری خود، عواطف و هویت فردی را با مسائل اجتماعی- سیاسی درهم آمیزد. او می خواست شعرش سخنگوی همه مردم بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی آنها باشد. به این منظور، ریچ به ترجمه شعر از زبان های دیگر روی آورد تا با دیگر قالب های شعری و تصاویر آشنا شود. در این راه، ترجمه غزل به او کمک شایانی کرد.

ترجمه غزل‌های میرزا غالب دهلوی در پروژه احمد، او را با زبان شعری جدیدی آشنا ساخت. نبود وحدت ابیات در غزل، استفاده از تصاویر سمبولیک، شکل تمثیلی ابیات، به‌ویژه ویژگی ابهام به ریچ اجازه داد تا مسائل فردی و اجتماعی را درهم آمیزد، از هویت خود و جامعه خویش سخن بگوید و زبان گروه‌های اقلیت و ستمدیده جامعه خود باشد.

مهم‌ترین ویژگی غزل برای ریچ، خصوصیت ابهام بود. به طور کلی، ابهام در غزل برآمده از سه عامل است: نخست اینکه غزل شعری عاشقانه و عارفانه است که با غزل‌های سنایی در قرن ششم شکل گرفت و پس از وی، سعدی، حافظ، عطار و مولوی در این قالب شعر سرودند. پیش از سنایی، تغزل در ابتدای قاصید زبان حال شاعر بود و روایت‌های عاشقانه شاعر در آنجا جای می‌یافت. سپس شاعران عارف، زبان عاشقانه غزل را برای بیان آموزه‌های عرفانی خود به کار گرفتند و به این ترتیب، زبان غزل بیانگر دو معنا و مفهوم عاشقانه و عارفانه شد (ر.ک؛ شمیسا، ۱۳۷۰: ۹۳-۹۴ و دیبرون، ۲۰۰۱: ۳۵۵).

عامل دیگر، ویژگی ابهام جنسیتی در غزل است. با توجه به اینکه در زبان فارسی، از نظر دستوری تفاوتی بین مؤنث و مذکر وجود ندارد و در زبان اردو نیز ضمیرها مؤنث و مذکر ندارند، در غزل فارسی و اردو، هویت معشوق مبهم می‌ماند و مشخص نیست که منظور از معشوق، زن است یا مرد و یا معشوق، الهی است. همچنین در غزل، شاعر اجزای بدن معشوق، همچون گیسو و چشمان او را توصیف می‌کند و به این طریق، هویت او را پوشیده نگه می‌دارد. این عامل نیز به ابهام در غزل می‌افزاید. بدین ترتیب، خواننده می‌تواند هم برداشتی عاشقانه-زمینی و هم الهی از یک شعر واحد داشته باشد (ر.ک؛ Scarcia Amorett, 2009: 153-161).

این ابهام در غزل به ریچ کمک کرد تا کلیشه‌ها را درهم ریزد و به زبانی شعر بسراید که خواستار برابری و برادری مابین همه انسان‌ها باشد و تفاوت‌ها را کنار بگذارد. ریچ این ابهام را در دیگر اشعار خود نیز به کار گرفت و به همان طریق، به جای ابهام عاشقانه-عارفانه غزل، ابهامی عاشقانه-سیاسی در اشعار خود به وجود آورد. خود ریچ در مقدمه‌ای که به مجموعه غزلیات خویش با عنوان *غزل‌ها؛ در تکریم غالب* نوشت، بیان می‌کند که هنگام سرودن این غزل‌ها متأثر از میرزا غالب بوده است:

«سرایش این غزل‌ها از آن هنگام آغاز شد که ترجمه اعجاز احمد از اشعار میرزا

غالب به دستم رسید. من همچون غالب، غزل‌های پنج‌بیتی سروده‌ام و هر بیت غزلم

مستقل از بیت دیگر است. وحدت هر شعر از رابطه میان تصاویر برمی آید» (ریچ، ۱۹۶۹م: ۵۹).

در غزل‌های ریچ، همانند غزل‌های اردو، مصرع دوم هر بیت شاهد و مثالی بر بیت اول است؛ به عنوان مثال ریچ می‌نویسد:

Only the truth makes the pain of lifting a hand worthwhile:  
The prism staggering under the blows of the raga (Ibid: 61).

افزون بر این، غزل‌های ریچ رابطه بینامتنی با شعر غالب دارد؛ به عنوان مثال، در یکی از ابیات ریچ، مفهوم «فنا» برای دستیابی به معشوق و مفهوم «تجلی» به کار رفته است:

The vanishing-point is the point where he appears.  
Two parallel tracks converge, yet there has been no wreck (Ibid).

ریچ از Vanishing-point برای بیان مفهوم «فنا» و از Appear برای «تجلی» استفاده کرده است.

مثال دیگر آنجاست که ریچ از کلمه «غبار» یا «خاک» که از واژگان کلیدی شعر غالب است، در غزل‌های خود بهره می‌برد و می‌گوید:

In the Theatre of the **Dust** no actor becomes famous.  
In the last scene they all are blown away like **dust** (Ibid: 62).

در این بیت، ریچ به زیبایی عناصر شرقی و غربی را درهم می‌آمیزد. از یک سو، او از کلمه Dust به معنای «غبار» یا «خاک» استفاده می‌کند و از سوی دیگر، از اصطلاح مشهور شکسپیر (theatre of the absurd) یاری می‌جوید و ترکیب تازه‌ای پدید می‌آورد: Theatre of the Dust.

نمونه‌ای دیگر آنجاست که وی در غزل‌هایش از کلمه «کوچه» که محل عبور معشوق است، همچون در شعر غالب استفاده می‌کند:

I'm tired of walking your streets,  
He says, unable to leave her (Ibid: 21).

آنجا که غالب از پرواز خیال به کوچه معشوق می‌نویسد و از دل گم‌گشته‌اش یاد می‌کند:



«پهر تر کوچ کوجاتا ه خیال دل گم گشته، مگر، یاد آیا»  
(احمد، ۱۹۹۴م: ۱۲).

ریچ این بیت غالب را چنین ترجمه کرده است:

Again, my thoughts haunt your street;  
I remember losing my wits there (Trans. Rich in Ahmad 1994, 15).

همچون غالب، ریچ در غزل‌های خود تصاویر سمبولیک ایجاد می‌کند؛ تصاویری که موجب ایجاد وحدت در هر غزل و میان کلّ غزل‌ها می‌شوند. او حتی در پایان برخی غزل‌های خود، از فنّ تخلص بهره می‌جوید. افزون بر این، وی از ابهام ضمائر نیز بهره می‌برد و این کار را به عنوان مثال، با استفاده از کلمهٔ the one یا ضمیر جمع we به جای ضمیرهای مذکر و مؤنث he و she انجام می‌دهد و یا با توصیف جزئی از بدن معشوق ابهام ایجاد می‌کند. همچنین، او عناصر شعر عاشقانه را با مسائل اجتماعی و سیاسی در شعر خود درهم می‌آمیزد. به طور کلی، می‌توان گفت که ریچ در غزل‌هایش هم از قالب و هم از مفاهیم غزل‌های میرزا غالب بهره می‌جوید.

### نتیجه‌گیری

تأثیر ادبیات کلاسیک فارسی، به‌ویژه غزل، بر ادبیات امریکای شمالی از نیمهٔ دوم قرن بیستم میلادی آشکار است. پیش از آن، معرفی و ترجمهٔ شعر فارسی از سوی شاعران امریکایی تأثیر چندانی بر ادبیات این کشور نداشت. دلایل این موفق نشدن را می‌توان در ناآشنایی این شاعران با زبان و ادب فارسی و نیز بی‌نیاز به ایجاد تغییر و تحوّل در نظام ادبی کشورشان دانست. در مقابل آن، در نیمهٔ دوم قرن بیستم، تلاش‌های دو شاعر و محقق شرقی، اعجاز احمد و آغاشاهد علی توانست جایگاه ثابتی برای غزل در ادبیات امریکای شمالی ایجاد کند. چند عامل را می‌توان در موفقیت احمد و آغا در این زمینه برشمرد. برخلاف آنچه در قرن نوزدهم گذشت، این بار معرفان غزل، دو پژوهشگر و شاعر برجسته از شرق بودند که با زبان و هویت حقیقی غزل به‌خوبی آشنا بودند و در نتیجه، در پی معرفی معنا و قالب حقیقی این نوع شعر کلاسیک و فرهنگ و تاریخ پیش‌زمینهٔ آن به دنیای غرب کوشیدند. همچنین، در این دوران، شاعران امریکایی که مخالف بوطیقا و سیاست حاکم بر ادبیات و کشورشان بودند، در پی ایجاد تحوّل در فرهنگ، جامعه و ادبیات برآمدند. در پی این تلاش‌ها، برخی شاعران امریکایی

همچون ادیرین ریچ و رابرت بلای در تثبیت غزل به عنوان ژانری ادبی در امریکای شمالی نقش بسزایی ایفا کردند.

آموزه‌ها، ترجمه‌ها و اشعار این محققان و شاعران شرقی و غربی، از گفتگو و تبادل فرهنگی میان غرب و شرق وعده می‌داد. آنها از طریق ترجمه و سرایش غزل، فضایی مابینی پدید آوردند که در بر گیرنده خصوصیات فرهنگی و ادبی تمدن شرق و غرب بود و امکان ارتباط، درک و مکالمه را میان این دو ادبیات و فرهنگ فراهم می‌کرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱- در این مقاله تمام تاریخ‌ها میلادی است و آنجا که لازم است تاریخ معادل هجری قمری و یا شمسی آن در پانویست ارائه شده است. به استثنای تاریخ چاپ منابع فارسی که به هجری شمسی هستند.

- 2- Ralph Waldo Emerson
- 3- Walt Whitman
- 4- Edgar Allan Poe
- 5- Henry Wadsworth Longfellow

۶- ۶۷۲-۶۰۴ ه. ق.

۷- ۶۹۱-۶۰۶ ه. ق.

۸- ۷۹۲-۷۲۷ ه. ق.

9- *Portfolio*

10- *Boston's Foreign Periodical Literature.*

11- *Minerva*

12- Transcendentalism

13- Joseph von Hammer

14- "Passage to India"

15- "A Persian Lesson"

16- "Al Aaraaf"

17- "Israfel"

18- "Tales of the Grotesque and Arabesque"

19- Garcia Lorca

20- Pablo Neruda

21- Muriel Rukeyser

22- Pier Paolo Pasolini

۲۳- در این مسیر در ابتدا مجذوب شعر آزاد به سبک اذرا پاوند شدند که بر خلاف قواعد تثبیت شده پیش می‌رفت (ر.ک؛ بلیزینگ، ۲۰۰۹: ۶).

24- Adrienne Rich

- 25- Robert Lowell
- 26- Robert Bly
- 27- James Wright
- 28- W.S. Merwin
- 29- Gary Snyder
- 30- Denise Levertov
- 31- Elizabeth Bishop
- 32- Lawrence Ferlinghetti
- 33- Paul Engle
- 34- *Writing from the World II*
- 35- Aijaz Ahmad
- 36- Agha Shahid Ali
- 37- New York University
- 38- Columbia University
- 39- Harish Tirvedi
- 40- "Translating Culture vs. Cultural Translation"
- 41- *A Walk Through the Yellow Pages*
- 42- *A Nostalgist's Map of America*
- 43- *The Country Without a Post Office*
- 44- *Rooms Are Never Finished*
- 45- *Call Me Ishmael Tonight*
- 46- *The Veiled Suite*
- 47- Agha, Shahid Ali. *Call Me Ishmael Tonight: A Book of Ghazals*. W.W. Norton and Company, 2003.
- 48- Christopher Merrill
- 49- *Paradise Lost*
- 50- *Real ghazals in English*
- 51- "the *ghazal* in America"
- 52- Agha, Shahid Ali, ed. *Ravishing Disunities: Real Ghazals in English*. Wesleyan University Press, 2000. 1-14.
- 53- Johann Wolfgang von Goethe
- 54- Karl Wilhelm Friedrich von Schlegel
- 55- Friedrich Ruckert
- 56- August Graf von Platen
- 57- Federico Garcia Lorca
- 58- Jim Harrison
- 59- Robert Mezey
- 60- Galway Kinnell
- 61- Double or diasporic identity
- 62- Alessandro Bausani

- 63- York University  
 64- The Centre of Contemporary Studies  
 65- *In Theory: Classes, Nations, Literatures*  
 66- “Rushdi’s Shame: Postmodernism, Migrancy and Representation of Women” (1991), “Fascism and National Culture” (1993), “The Politics of Culture” (1999), “The Communist Manifesto and World Literature” (2000), “Imperialism of Our Time” (2004).  
 67- W. S. Merwin  
 68- Adrienne Cecil Rich  
 69- William Stafford  
 70- David Ray  
 71- Thomas Fitzsimmons  
 72- Mark Strand  
 73- William Hunt  
 74- *Ghazals of Ghalib*  
 75- William Chittick  
 76- *The Sufi Path of Love: The Spiritual Teachings of Rumi*  
 77- Coleman Barks  
 78- *The Essential Rumi*  
 79- Franklin D. Lewis  
 80- *Rumi, Swallowing the Sun*  
 81- Robert Bly  
 82- Leonard Lewisohn  
 83- *The Angels Knocking on the Tavern Door: Thirty Poems of Hafiz*  
 84- Sunil Dutta  
 85- *The Lightning Should Have Fallen on Ghalib*  
 86- *Ghazals: Homage to Ghalib'*  
 87- *The Blue Ghazals*  
 88- *The Night Abraham Called to the Stars*  
 89- *My Sentence was a Thousand Years of Joy*  
 90- *Outyer and Ghazals*  
 91- Denise Levertov  
 92- Alicia Ostriker  
 93- John Thompson  
 94- Phyllis Webb
- 5۹- همان گونه که شنایدرمن می گوید، پیش از دهه ۱۹۶۰ میلادی، انگلیسی زبانان با غزل آشنا شده بودند، اما پس از پروژه احمد، غزل اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد (ر.ک؛ شنایدرمن، ۲۰۱۰: ۷).
- 96- New Imagination  
 97- *Iron John, Men and Masculinity*

98- *Night and Sleep*

۹۹- به‌ویژه این یکی از ویژگی‌های غزل سبک هندی است که به آن شیوه تمثیل می‌گویند.

100- Imagists

101- Ezra Pound

102- Free verse

103- Richard Aldington

104- Hilda Doolittle

105- *Leaflets*106- *The Will to Change*

۱۰۷- شفیعی کدکنی نیز در مقاله ای با عنوان «شمایل غزل فارسی در شعر فرنگ» در کتاب *با چراغ*

و آینه اشاره می‌کند که با غزل انگلیسی، ابتدا از طریق غزل‌های جیم هریسون آشنا شد و آنگاه از

طریق وی، غزل‌های ادوین ریچ را شناخت (ر.ک؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰).

## منابع و مآخذ

## قرآن کریم.

احمدزاده هروی، شیده. (۱۳۸۴). «الف والدو امرسون و شعر ایران». *آینه آب*. به کوشش بهمن نامور

مطلق. تهران: همشهری. صص ۲۰۰-۲۰۱.

نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۴). «ادبیات ایران در انگلستان و امریکا». *آینه آب*. به کوشش بهمن نامور

مطلق. تهران: همشهری. ۱۶۹-۱۷۹.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «تلقی قدما از وطن». *بخارا*:

<http://bukharamag.com/1389.04.1241.html>.

(۱۳۹۰). *با چراغ و آینه*. تهران: انتشارات سخن.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). *سیر غزل در شعر فارسی*. تهران: انتشارات فردوس.

Agha, Shahid Ali. (2000). "Introduction." *Ravishing Disunities: Real Ghazals in English*. Ed. Agha Shahid Ali. Wesleyan University Press, 2000. Pp. 1-14.

Ahmad, Aijaz. (1994). "Introduction". *Ghazals of Ghalib*. Ed. Aijaz Ahmad. Oxford University Press.

Ali, Ahmed. (1070). "The Problem of Style and Technique in Ghalib." *Aspects of Ghalib: Five Essays*. Karachi: Pakistan American Cultural Centre. Pp. 1-18.

Bausani, Alessandro. (1968). *Le letteratura del Pakistan e dell'Afghanistan*. Firenze, Milano: Sansoni, Accademia.

- Blackburn, Paul. (1962). "The International Word". *Nation*. Pp. 357-360.
- Blasing, Multu Konuk. (2009). *Politics and Form in Postmodern Poetry*. Cambridge University Press.
- Bredi, Daniela. (2000). "Urdu in Italy: Alessandro Bausani's Contribution". *Annual of Urdu Studies 15. I*. Pp. 293-304.
- Camboni, Marina. (2008). "Leggere la Bhagavad Gītā a Boston, leggere Lolita a Teheran". *L'oriente nella cultura dell'Occidente*. Ed. Daniele Maggi, Diego Poli and Marina Pucciarelli. Macerata: eum. Pp. 9-32.
- de Bruijn, J.T.P. (2001). "Ghazal." *Encyclopedīa Iranica*. Ed. Ehsan Yarshater. Vol. X. Fascicle 4 (Center for Iranian Studies, Columbia University). New York: Bibliotheca Persica Press. Pp. 354-8.
- Engle, Paul, and Hualing Nieh Engle. (1985). "Foreword." *Writing from the World: II*. Eds. Marilyn Chin, et al. Iowa City: International Books and the University of Iowa Press.
- Even-Zohar, Itamar. (1990). "The Position of Translated Literature within the Literary Polysystem". *Poetics Today*. 11.1. Pp.45-51.
- Gentzler, Edwin. (1996). "Translation, Counter-Culture, and the Fifties in the USA." *Translation, Power, Subversion*. Eds. Roman Alvarez and M. Carmen Africa Vidal. Clevedon, Philadelphia, Adelaide: Multilingual Matters Ltd. Pp. 116-137.
- Lefevere, Andre. (1992). *Translation, History, Culture. New Fetter Lane*, London: Routledge.
- Merrill, Christopher. "A Route of Evanescence: Agha Shahid Ali in America." *Mad Heart, Be Brave: On the Work of Agha Shahid Ali*. Ed. Kazim Ali & Ann Arbor: University of Michigan Press. Forthcoming.
- Pritchett, Frances W. (1993). "Orient Pearls Unstrung: The Quest for Unity in the Ghazal." *Edebiyat* Vol. NS 4. US: Harwood Academic Publishers GmbH. Pp.119-135.
- Rich, Adrienne C. (1969). *Leaflets*. New York and London: W.W. Norton & Company.
- Russell, James R. (2008). "The Near East in the Mind of America." 2001. Lect. National Association for Armenian Studies. Web. 25 Aug. 2008. Pp. 1-14: [http://www.near\\_east\\_in\\_the\\_mind\\_of\\_america\\_2\\_-Russell.htm](http://www.near_east_in_the_mind_of_america_2_-Russell.htm).
- Scarcia Amoretti, Biancamaria. (2009). "Appunti per una lettura della rappresentazione del corpo nell'islam". Manuscript. (It was later published, but in a different form: "Il corpo nell'Islam: un'entità ambigua." *Sanctorum: rivista dell'Associazione Italiana per lo studio della santità. dei culti e dell'agiografia* 6. a. Pp. 153-161.
- Schneiderman, Jason. (2010). "Looking in the Broken Mirror." *Teachers and Writers Magazine*. 41. 3. Pp. 3-8: [http://www.twc.org/assets/41-3\\_Schneiderman.pdf](http://www.twc.org/assets/41-3_Schneiderman.pdf).
- Translation and Identity in the Americas: New Directions in Translation Theory*. (2008). London and New York: Routledge.

- Trivedi, Harish. (2007). "Translating Culture vs. Cultural Translation." *In Translation: Reflections, Refractions, Transformations*. Eds. Paul St. Pierre, and Parafulla C. Kar. John Benjamins. Pp. 277-288.
- Venuti, Lawrence. (2005). *The Translator's Invisibility*. London and New York: Routledge.
- Williams, R. John. (2009). "Modernist Scandals: Ezra Pound's Translations of 'the' Chinese Poem." *Orient and Orientalism in US-American Poetry and Poetics*. Eds. Sabine Sielke and Christian Kloeckner. New York, Oxford: Peter Lang. Pp. 145-165.
- Yohannan, John D. (1997). *Persian Poetry in England and America*. Delmar, New York: Caravan Books.
- Zaidi, Nishat. (2008). "Center/Margin Dialectics and the Poetic Form: The *Ghazals* of Agha Shahid Ali." *The Annual of Urdu Studies*. 23. Ed. Muhammad Umar Memon. University of Wisconsin Madison. Pp. 55-66: <http://www.urdustudies.com/pdf/23/07Zaidi.pdf>.

